

رادنی ویلسون - ابرهارد برودهاگه*

پرویز کریمی ناصری**

چکیده

رشد و کارآمدی بازارهای مالی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که از پیشرفته ترین بازارهای مالی در جهان عرب محسوب می شود، بیشتر پی آمد توسعه اقتصادی، و نه زمینه ساز توسعه، این کشورها بوده است. داراییهای بانکی کشورهای عضو شورا اگر چه قابل توجه می نماید، بخش چشمگیری از آنها در خارج از منطقه نگهداری می شود. ضمن آنکه بررسی خدمات بانکداری در منطقه نشانگر ماهیت ملی و نیز ارتباط مستقیم آن با وضعیت مصرف کنندگی در این کشورها است. همین امر موجب شده است که سرمایه گذاری در این بخش برای بانکهای چندملیتی جذابیت نداشته باشد. از سوی دیگر، عضویت در سازمان تجارت جهانی و گشایش بازارهای داخلی به روی بانکهای خارجی، موجب پیدایش رقابت می شود در نتیجه بانکهای این کشورها را با چالشهای مهمی روبرو خواهد ساخت. البته، همان گونه که نویسندگان یاد آور شده اند، بحرین را در این میان می توان استثنا دانست.

کلید واژه ها: شورای همکاری خلیج فارس، سازمان تجارت جهانی، بازارهای مالی، بانکداری اسلامی، بازار سهام، سرمایه گذاری

Rodney Wilson and Eberhard Brodhage, *Financial Markets in the GCC Prospects for European Cooperation*, Florence: European University Institute, 9/2001.

* استاد مرکز مطالعات اسلام و خاورمیانه (دانشگاه دورهام) - کارشناس کامرز بانک (فرانکفورت)

** مترجم و کارشناس خبری

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰، صص ۱۶۴ - ۱۳۱

اقتصاددانان مدتهاست که دربارهٔ میزان ضرورت وجود بازارهای مالی کارآمد به عنوان پیش شرط توسعه یا پیامد توسعه بحث می‌کنند.^۱ در مورد شورای همکاری خلیج فارس (GCC) شق دوم کاربرد دارد؛ زیرا بازارهای مالی بیشتر در پاسخ به نیازهای اقتصادی مبتنی بر پایه‌های نفتی رشد یافته‌اند، ولی در عین حال در شکل‌گیری یا تسهیل توسعه اقتصادی نیز نقش کوچکی بازی کرده‌اند. دولتها، شاید به استثنای بحرین، بیشتر به کارشکنی در رشد بازارهای مالی پرداخته‌اند تا تشویق آن. شورای همکاری کشورهای خلیج فارس نیز در این زمینه هم سیاست روشنی ندارد.

بازارهای شورای همکاری خلیج فارس اساساً ملی هستند، گرچه بحرین نه براساس همکاری منطقه‌ای برنامه‌ریزی شده بلکه از طریق مصلحت‌اندیشی یک جانبه به یک مرکز مهم مالی منطقه‌ای تبدیل شده است. به هر حال گرچه توسعه‌ها اتفاقی بوده‌اند، شورای همکاری خلیج فارس دارای پیشرفته‌ترین بازارهای مالی در جهان عرب است. این امر ناشی از ثروت نفتی منطقه و ثبات ارزها و تبدیل آزاد آن و همچنین بازبودن نسبی اقتصادها به روی تجارت بین‌المللی است که به تأمین مالی نیازمند است.^۲

بنابراین، در این مقاله بازارهای خدمات بانکی و سهام شرکتها مورد بررسی قرار گرفته است. در عین حال نقش بحرین به عنوان مرکز مالی منطقه‌ای ارزیابی شده و بازار مالی اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا در این زمینه، منطقه سهم ممتازی در تأمین مالی بین‌المللی ایفا می‌کند. در این بررسی همچنین پیوند با اروپا، به ویژه حضور بانکهای اروپایی در منطقه، ابعاد همکاری مالی گسترده‌تر با اروپا در زمینه‌های مورد علاقه مانند استفاده از یورو، فهرست برداری متقابل سهام شرکتی و هماهنگی میان نیازها و عملیات حسابداری شرکتها مورد بحث قرار گرفته است.

نقش آتی بازارهای شورای همکاری خلیج فارس در امور مالی جهانی روشن نیست، و لازم است به نقاط ضعف و قوت رقابتی منطقه در قبال مراکز عمده اروپایی اشاره شود. موقعیت محلی، عوامل فرهنگی و زبان شناختی به بازارهای شورای همکاری خلیج فارس در کشورهای عرب مدیترانه قدرت رقابتی را می‌دهد که ممکن است با توجه به روند کنفرانس

بارسلونا، مورد توجه اتحادیه اروپا قرار گیرد. با این همه، همکاری سه جانبه بین سرمایه خلیج فارس، مهارت اروپایی و نیروی کار عرب مدیترانه‌ای که در جریان شکوفایی قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ پیش بینی شده بود، هرگز تحقق نیافت و به واقعیت پیوستن آن را نیز باید با دیده شک و تردید نگریست.

نهادهای مالی شورای همکاری خلیج فارس در زمینه‌های دیگری مانند امور مالی اسلامی از توانایی رقابتی برخوردارند. در اینجا، همکاری فزاینده‌ای بین نهادهای مستقر در شورای همکاری خلیج فارس و بانکها و بازارهای جنوب و جنوب شرقی آسیا، به ویژه پاکستان، مالزی و برونئی، و در ابعادی کوچکتر بنگلادش و اندونزی وجود دارد. برخی از بانکهای عمده اروپایی خدمات مالی اسلامی محدودی عرضه می‌کنند، و در سطح خرده‌فروشی نیز خدمات کمتری برای اکثریت عظیم مسلمانان اروپایی در انگلستان، فرانسه و آلمان، یا در بالکان، صورت می‌گیرد. اما در عین حال امکان همکاری با نهادهای شورای همکاری خلیج فارس در زمینه امور مالی، که مورد علاقه بانک توسعه اسلامی جده و بانکهای تجاری اسلامی بحرین است، وجود دارد.

ماهیت خدمات بانکداری

در کشورهای خلیج فارس ابتدا خدمات بانکداری تجاری عرضه شد که فعالیت آن بیشتر در زمینه مالی تجارت مانند اعتبارنامه‌ها، حواله‌ها و دیگر تسهیلات تجاری براساس کارمزد بود. هنگامی که دولتها صندوقهای توسعه و تأمین مالی طرحهای درازمدت را فراهم کردند، بانکهای تجاری نیز فعالیت خود را روی اعتبارهای کوتاه مدت متمرکز کردند، بنابراین بانکداری سرمایه‌گذاری رشد چندانی نکرد. شرکت‌های خانوادگی بیشتر پول مورد نیاز را از سود حاصله از کسب و کار یا وامهای غیررسمی اعضای خانواده به دست می‌آوردند و بنابراین نیاز به واسطه‌های مالی رسمی محدود می‌شد. مبادلات ارز خارجی به جای بانکها توسط صرافی‌ها انجام می‌شد و این امر قلمرو خدمات رسمی را بیش از پیش محدود می‌کرد. در این شرایط، تعجیبی ندارد که در مقایسه توسعه فعالیت اقتصادی در خلیج فارس پس از کشف نفت گسترش بانکداری به آهستگی صورت گرفته باشد.

عملکرد بانکداری بانکهای شورای همکاری خلیج فارس جنبه سنتی دارد: آنها با پذیرفتن سپرده‌ها وام می‌دهند و خدمات حساب جاری / پرداختها را در اختیار مشتریان قرار می‌دهند. با توجه به اینکه منطقه بیشتر کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای وارد می‌کند و جمعیت ساکن دیگر کشورها (حدود ۳۰ درصد از مجموع ۳۰ میلیون نفر از جمعیت منطقه) درآمدهای خود را به کشورهايشان می‌فرستند، تأمین مالی تجارت و پرداختهای بین‌المللی نیز از فرآورده‌های مهم آنها به شمار می‌رود. مهمترین حاصل کار آنها تمديد تسهیلات وام‌دهی است که ۴۵ درصد از کل داراییهای بانکهای تجاری را تشکیل می‌دهد. گرچه هنوز هم بیشتر فعالیت بانکداری در خلیج فارس را تأمین مالی تجارت تشکیل می‌دهد، ولی در سالهای اخیر با گسترش بازار خرده‌فروشی در خدمات مالی، تأمین مالی شخصی و مصرف‌کنندگان رشد یافته است. پرداخت حقوق کارکنان دولت، که اکثریت آنان اکنون از شهروندان خلیج فارس هستند، به جای نقدی از طریق حسابهای بانکی انجام می‌گیرد. مشتریان خصوصی، حسابهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و همچنین جاری باز کرده‌اند تا پولشان، هر چند جزئی، بازده داشته باشد. امارد عربستان سعودی، بخشی به دلیل نگرانیهای مشتریان از منع اسلامی ربا، و بخشی به علت ایستایی حسابهای بانکی، بیش از ۶۰ درصد سپرده‌ها به صورت حساب جاری است تا حسابهای پس‌انداز که بازده بالاتری دارند، همین امر هزینه‌های نگهداری پول را برای بانکها کاهش می‌دهد.^۳

اکنون حدود یک سوم از وامهای بانکی برای خرید مسکن، خودرو یا تأمین مالی لوازم ماندگار مصرفی پرداخت می‌شود. وامهای مسکن تحول نسبتاً تازه‌ای در خلیج فارس به شمار می‌رود؛ زیرا در گذشته ارگانهای دولتی مسکن ساز بخش بزرگی از این یارانه‌ها را بدون دریافت بهره تأمین می‌کردند، ولی از آنجا که درخواست‌کننده وام در عربستان سعودی اکنون باید هشت سال در انتظار بماند، آنان به بانکهای تجاری رو آورده‌اند. همانند غرب، فروشندگان خودرو اغلب مشتریان را به خرید اعتباری یا اجاره تشویق می‌کنند که سبب می‌شود تقاضای وام از بانکها افزایش یابد.

اقشار مشتری بانکهای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در بازارهای بومی خود

تنوع چندانی ندارند. اقتصادهای منطقه زیر سلطه مخارج دولتی است؛ به استثنای عربستان سعودی و به میزان کمتری امارات متحده عربی، از صنایع تولیدی در شبه جزیره خبری نیست. بخش شرکتی به شدت متمرکز است و تنها چند ده خانواده کنترل بخش اعظم تولید ناخالص داخلی (GDP) را که از طریق خدمات عمومی تولید می‌شود، در اختیار دارند. دولت هم از طریق وام‌گیری مستقیم یا سپردن پول به بانکها، و هم غیر مستقیم از طریق کسب و کار دولتی با شرکتهای محلی، مانند صنعت ساختمان، مشتری اصلی نظام بانکداری است. امکانات بانکداری شرکتی محدود است و داد و ستد جزئی، مثل رهن خانه یا خرید خودرو، به وامها متکی است. مشتریان خصوصی بانکها، که اغلب افراد ثروتمندی هستند، بیشتر مایلند پول خود را در خارج نگهدارند، ولی بانکهای شورای همکاری خلیج فارس به نحوی فزاینده خدمات بیشتری را در اختیار این قشر پر منفعت می‌گذارند.

ویژگی بانکهای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بدین گونه است: در محدوده محل خود امکانات محدود سپرده‌گذاری، اعطای وام و پرداخت (از جمله تأمین مالی امور تجاری) را در اختیار مشتریان سنتی (خرده‌فروش، شرکت و بخش عمومی محلی آنها) می‌گذارد. آنها در جنبه‌های حیاتی از خود توانایی نشان داده‌اند: بانک مرکزیت دارد و از پایگاه محلی مستحکمی برخوردار است و در عین حال در بازار محل شهرت خوبی دارد. از سوی دیگر، چالشهای فراوانی نیز وجود دارد: تولیدات بانکی پیچیدگی ندارد و برای کسب درآمد به تولیدات مبتنی بر بهره وابسته است، کوچکی جا امکان فعالیت بیشتر را محدود می‌کند، ضمن اینکه تجربه بین‌المللی وجود ندارد.

داراییهای بانکی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس براساس همسانی میزان قدرت خرید تقریباً برابر با ۸۵ درصد از تولید ناخالص ملی (GNP) منطقه است. رقم مقایسه‌ای برای آلمان ۲۶۰ درصد و برای آمریکا ۶۵ درصد است، ولی می‌توان این امر را با توجه به وجود بازارهای کارآی دارایی خالص و بدهی سرمایه توضیح داد. بازارهای دارایی خالص و بدهی سرمایه شورای همکاری چندانی ندارند و سرمایه‌گذاری در مستغلات تنها امکانات محدودی را عرضه می‌کند. از این رو، رقم ۸۵ درصدی شورای همکاری مؤید این

دیدگاه است که بخش چشمگیری از داراییهای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در خارج از منطقه نگه داری می شود.

ساختار نظام بانکداری

گرچه ارزهای خلیج فارس آزادانه تبدیل پذیر است و جابه جایی سرمایه کنترل نمی شود، بازارهای خدمات بانکداری، به استثنای بازار برون مرزی بحرین، ماهیتی ملی دارند تا منطقه ای. رقابت در این بازارها محدود است، چون کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به استثنای بحرین و عمان، سیاستهای محدود کننده ای برای صدور پروانه بانکداری دارند که تنها به نهادهای با اکثریت مالکیت بومی اجازه فعالیت می دهند. دولتها در داد و ستدهای مالی خود به سود بانکهای دارای مالکیت بومی تبعیض قایل می شوند و اغلب از بانکهای دولتی یا نیمه دولتی استفاده می کنند. ساختار نظام بانکداری که در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ ایجاد شد در طول دهه گذشته در اساس بدون تغییر باقی مانده است. اکنون، نظام بانکداری شورای همکاری بر اساس گزارشهای سالانه بانکها تا پایان سال ۱۹۹۹ مرکب از حدود ۸۰ بانک با مجموع دارایی کمتر از ۳۰۰ میلیارد دلار است.

اکثر بانکها؛ یعنی ۵۴ بانک از مجموع ۸۰ بانک، تجاری هستند. آنها سپرده ها را می پذیرند و اعتبار و تسهیلات پرداخت در اختیار مشتریان خصوصی و شرکتهای قرار می دهند. ۸۰ درصد از داراییهای بانکی منطقه در این بانکها نگهداری می شوند. در پنج کشور از شش کشور عضو شورای همکاری ده بانک اسلامی فعالیت دارند و ۸ درصد از داراییهای بانکی منطقه در آنها نگهداری می شود، البته عمان برای بانکداری اسلامی پروانه صادر نمی کند. کل داراییهای نهادهای مالی اسلامی بیانگر کل بازار بانکداری اسلامی نیست: تنها در عربستان سعودی، حدود ۴ میلیارد دلار در بنیادهای اسلامی سرمایه گذاری شده است که بانکهای سعودی آنها را اداره می کنند. بازار محصولات مالی اسلامی طی سالها گسترش یافته است، و سهم آنها از بازار شاید به حدود ۱۰ درصد برسد.

شش بانک در بازارهای سرمایه بین المللی با استفاده از ثروتهای فردی منطقه ای

فعالیت دارند. سهم آنها از داراییهای اداره شده حدود ۲ درصد است. البته در خارج از نظام بانکی، شرکتهای سرمایه‌گذاری متعدد خدمات مشابهی را عرضه می‌کنند. بانکهای تخصصی؛ مانند آنهایی که برای راه‌اندازی واحدهای کوچک صنعتی یا خرید مسکن وام می‌دهند، ۸ نهاد با ۱٫۵ درصد از داراییها هستند. سرانجام، شرکت «بانکداری عرب» و «گلف اینترنشنال بانک» در بازارهای بین‌المللی فعالیت دارند. با وجودی که آنها در بحرین قرار دارند، داد و ستد آنها با مشتریان «آن سوی ساحل» است؛ این دو بانک حدود ۱۰ درصد از مجموع داراییهای بانکی شورای همکاری را در اختیار دارند.

مجموع سرمایه‌نظام بانکداری شورای همکاری بالغ بر ۳۵ میلیارد دلار است. سرمایه حدود نیمی از نهادها بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار است. بیست نهاد هر یک سرمایه‌ای کمتر از ۱۰۰ میلیون دلار دارند. در مجموع این ۶۰ نهاد با سرمایه پایه حدود ۵۰۰ میلیون دلار، حدود ۱۰ میلیارد دلار از سرمایه به کار گرفته شده در بانکهای شورای همکاری را در اختیار دارند. از بیست نهاد باقی مانده با میانگین سرمایه پایه حدود ۲۵ میلیارد دلار، نیمی؛ از جمله دو بانک بحرینی برون مرزی و چهار بانک بزرگ عربستان سعودی دارای سرمایه پایه‌ای بیش از یک میلیارد دلار هستند، سرمایه نیمی دیگر بین ۵۰۰ میلیون دلار و یک میلیارد دلار است.

مجموع دارایی پایه بانکهای شورای همکاری کمتر از ۳۰۰ میلیارد دلار است. تقریباً کل داراییهای نیمی از بانکها کمتر از یک میلیارد دلار است. داراییهای حدود ۲۰ نهاد بین یک و ۵ میلیارد دلار است. ده نهاد نیز بین ۵ و ۱۰ میلیارد دلار دارایی دارند. هشت نهاد هر کدام داراییهای بیش از ۱۰ میلیارد دلار دارند که مجموع داراییهای آنها به ۱۲۵ میلیارد دلار می‌رسد و برابر با حدود ۴۰ درصد از کل بازار است.

باز شدن بازارهای خدمات بانکداری نامحتمل است؛ زیرا بسیاری از نافعان از جمله، سهامداران پرنفوذ بانکهای موجود و دولت‌های خلیج فارس طرفدار وضع موجودند. به رغم فشارهای سازمان تجارت جهانی و شرکای عمده تجاری عربستان سعودی برای باز کردن بازار خدمات مالی^۴، قوانین جدید، سرمایه‌گذاری در بخش بانکداری آن کشور را برای دیگران به

استثنای نهادهای مستقر در شورای همکاری ممنوع کرده است.^۵ خرید بانکهای عربستان سعودی یا دیگر کشورهای خلیج فارس از سوی بانکهای چند ملیتی اروپایی یا آمریکایی با استقبال روبه‌رو نمی‌شود. برخی از چند ملیتی‌ها نیز ممکن است در نتیجه رقابت زیان ببینند. Citicorp که ۴۰ درصد از سهام «سعودی امریکن بانک» را در اختیار دارد و همچنین HSBC، که به نوبه خود دارای سهام مشابهی در «سعودی بریتیش بانک» است، مایل نیستند تا شاهد ورود رقبای آمریکایی یا اروپایی به بازار پرسود خود باشند.^۶

بانکهای خلیج فارس مدتهای طولانی با مسایل طلبهای سوخته ناشی از کلاهبرداری یا عمل نکردن برخی از وام‌گیرندگان، از جمله به تعهدات وام خود، اعضای خانواده حاکم روبه‌رو بوده‌اند. این امر باز شدن نظامهای بانکداری را به موضوعی حساس تبدیل کرده است؛ زیرا شفافیت بیشتر وامها ممکن است ایجاد دردسر کند. در گذشته، دولتهای خلیج فارس بانکهایی را ضمانت می‌کردند که بدهی غیر قابل وصول از افراد متنفذ داشتند، ولی اگر بانکها به خارجیان تعلق داشته باشند، مخفی نگه داشتن و توجیه چنین مداخلاتی دشوارتر خواهد شد. صرف نظر از مسایل مخاطرات اخلاقی، مسئله یارانه دادن چه کسی به چه فردی وجود دارد. در امارات متحده عربی، نظام حتی محدودتر است و از آنجا که بانکهای ملی واقعی وجود ندارند، هر شیخ نشین دارای بانک «ملی» خاص خود است که دولت محلی مالک آن است و اغلب با مشتریان خود، که معمولاً از خانواده‌های حاکم هستند، روابط بسیار نزدیکی دارند. اداره بحران در فراسوی مرزها دشوار و حتی ناممکن است؛ نمونه بارز آن ورشکستگی یک بانک قطری در مناطق خودگردان فلسطینی است.

تقسیم نظام بانکداری در خلیج فارس به واحدهای ملی یا زیر ملی بدان معنا است که حتی بزرگترین نهادها، با معیارهای بین‌المللی، بازیگران کوچکی به شمار می‌روند، و از لحاظ میزان دارایی هیچیک در فهرست صد بانک طراز اول جهان جایی ندارند. «نشال کامرشیال بانک» عربستان سعودی، بزرگترین بانک خاورمیانه و جهان عرب، در درجه بندی داراییهای نشریه بانکرز^(۱) در مرتبه ۱۴۰ قرار دارد. این بانک در ۱۹۹۷ به شرکت سهامی مشترک تبدیل

شد، ولی تا پیش از آن به خانواده بن محفوظ تعلق داشت. در سال ۱۹۹۹، به دلیل نیاز به تضمین ثبات مالی آن، بنیاد سرمایه‌گذاری عمومی عربستان سعودی ۵۰ درصد سهام، و سازمان بازنشستگی کشوری ۱۰ درصد سهام آن را خریداری کردند و بدین ترتیب بانک عملاً به نهادی در مالکیت دولت تبدیل گردید.^۷ از آنجایی که بانک ریاض، دومین نهاد برحسب داراییها، نیز از دهه ۱۹۵۰ نیمه دولتی شده است، نقش سرمایه خصوصی در نظام بانکداری عربستان سعودی بسیار محدود است. به واقع به نظر می‌رسد که جریان کنونی به سمت ملی کردن و نه خصوصی سازی است، گرچه این امر ناشی از عمل‌گرایی است و نه ایدئولوژی.

مسائل نظارتی و مخاطرات بانکی

با توجه به امکانات محدود نهادهای مالی در منطقه شورای همکاری، توسعه فعالیت آنها فراتر از مرزهای کشور خود، دست کم برای بانکهای بزرگتر کشورهای عضو شورا، گزینه‌ای طبیعی به شمار می‌رود. به هر حال، حتی در بازارهای رشد یافته‌تر و هم‌گرایی چون اتحادیه اروپا، خدمات بانکداری به آسانی به آن سوی مرزها گسترش نمی‌یابد، چون انتظارات مشتریان گوناگون است. همچنین، با اعطای اعتبار به مشتریان خارج از بازار داخلی بانک به دلیل خطرات ناشی از قابلیت اجرای مقررات، ارز و حسابداری چهره مخاطرات بانکی نیز تغییر می‌کند.

سرمایه بانکها تعیین‌کننده توانایی آنها در اعطای وامهای گوناگونی است که قوانین و مقررات بانکداری بر آنها تحمیل می‌کند و معمولاً از سوی نظارت‌کننده بومی (در کشورهای عضو شورای همکاری بانک مرکزی این نقش را بازی می‌کند) تعیین می‌شوند. مهمترین آنها عبارتند از:

● محدودیت وام؛ تسهیلات اعتباری هر وام‌گیرنده نباید از درصد مشخصی از سرمایه بانک، مثلاً ۱۰ درصد، بیشتر باشد.

● نسبت مناسب سرمایه؛ داراییهای مخاطره‌آمیز یک بانک (از جمله تسهیلات وام/اعتبار) باید با درصد معینی از هسته اصلی و احتمالاً سرمایه ثانوی/قابل تبدیل به سهام

حمایت شود. در کشورهای عضو شورای همکاری، نسبت مناسب سرمایه بین ۸ تا ۱۲ درصد از داراییهای با ضریب خطر متغیر است. در نتیجه، یک واحد سرمایه به بانک مستقر در کشورهای عضو شورا امکان وام دهی ۱۰ واحد ارز را می دهد.

با مجموع ۲۵ میلیارد دلار سرمایه پایه، توانایی بانکهای بزرگتر این کشورها، یعنی آنهایی که سرمایه پایه ۵۰۰ میلیون دلار به بالا را دارند، در اعطای تسهیلات اعتباری به نظر محدود می رسد. یکی از مهمترین معیارهایی که می توان عملکرد یک بانک را با آن تعیین کرد، برگشت سرمایه بانکهاست. با محاسبه^(۱) ضریب داراییهای مخاطره آمیز است که بانکها میزان برگشت سرمایه مخاطره آمیز تعدیل شده خود را اندازه می گیرند. توسعه فعالیتها در فراسوی بازار داخلی با توجه به خطرهای ذاتی و فرار بودن آن، باید در مقایسه با برگشتی سرمایه در بازار داخلی سرمایه برگشتی بالاتری داشته باشد. در حال حاضر، ضریب خطر داراییها بر اساس مجموعه ای مرکب از کشور وام گیرنده، نوع تسهیلات اعتباری، موعد پرداخت و طبقه بندی به عنوان یک اقتدار، بانک یا شرکت/ فرد قرار دارد. با توجه به این چهار عامل، ضریب خطر بین صفر و ۱۰۰ درصد متغیر است. نگاهی به داد و ستد فرا مرزی بانکهای شورای همکاری با کشورهای عرب مدیریتانه نشان می دهد که ضریب خطر هر نوع وامی با سررسید بیش از یک سال ۱۰۰ درصد است.

بانکها صرف نظر از سرمایه تنظیمی «قانونی» مورد نیاز برای کسب و کار مخاطره آمیز، برای ارزیابی خطرات اعتباری و عملیاتی کل موجودی اوراق بهادار خود از الگوهای داخلی استفاده می کنند، و میزان برگشتی ناشی از معامله اعتباری را در برابر هزینه سرمایه، هزینه معامله و احتمال قصور وام گیرنده در پرداخت بدهی، مثلاً عدم پرداخت وام یا اجرای تعهدات محاسبه می کنند. ارتباط نحوه عملکرد مخاطرات در دارایی اسنادی محاسبه می شود، و یک بانک که از چنین الگوی پورتفولیو برای مخاطرات اعتباری استفاده می کند، وقتی که قصد توسعه پایگاه دارایی خود را دارد، خواهان مخاطراتی است که با عملکرد پورتفولیوی موجود ارتباط منفی داشته باشد.

اخیراً معرفی یک ضریب خطر قابل قبول جهانی و الگوی نیازهای سرمایه ای درجه بندی اعتبار کمیته نظارت بانکداری بال و نهاد جهانی نظارت بر بانکداری تا سال ۲۰۰۵ به تأخیر افتاده است. به هر حال، بانکها و تنظیم کنندگان می پذیرند که به جای استخراج ضریب خطر از ماتریس ایستای پیش گفته، سرمایه ای که باید برای مخاطرات مالی و عملیاتی آماده شود، براساس کیفیت پویای خطر نهفته قرار گیرد. وقتی که قوانین جدید از ۲۰۰۵ به اجرا در آیند، آنها اساساً برای وام گیرندگان و طالبان وامهای سنگین نیاز به سرمایه بسیار کمتری خواهند داشت، و مقدار سرمایه بیشتری به داد و ستد مخاطره آمیز اختصاص می دهند.

در حالی که اغلب بانکهای کشورهای عضو شورا از به اصطلاح «رتبه بندی سرمایه گذاری»^(۱) بهره می برند، رتبه بندی اعتباری کنونی کشورهای عرب مدیترانه زیر رتبه سرمایه گذاری است. در این سطح، ممکن است بانکها به دو برابر سرمایه مورد نیاز طبق مقررات موجود احتیاج داشته باشند. به منظور سود دهی وام دادن، حواشی اعتبار باید به دو برابر افزایش یابد، و در همان حال ظرفیت وام دهی بانکهای شورای همکاری به کشورهای عرب مدیترانه به نصف کاهش پیدا کند. همچنین، افزایش ادامه وام به وام گیرندگان زیر رتبه سرمایه گذاری بر درجه بندی خود بانکها اثر منفی می گذارد.

کانون آتی فعالیت بانکهای شورای همکاری خلیج فارس

یکی دیگر از عوامل محدود کننده، تمرکز بانکها روی تولیدات سنتی بانکداری است: دسترسی به مقدار قابل ملاحظه ای از داد و ستد دولتی، بانکهای منطقه شورای همکاری را ضایع کرده است. از آنها انتظاری می رود که در بازارهای داخلی خود نقش تقویتی را برای بخش خصوصی بازی کنند، و ضرورت تجربه را در ارزیابی کاربردهای اعتبار و مدیریت کردن مخاطره اعتبار ترویج کنند، ولی این سؤال مطرح است که آیا بانکها با تجربه محدود خود در بازارهای داخلی، از دانش لازم برای تحلیل و اداره خطرات احتمالی پرداخت اعتبار در فراسوی قوانین خود برخوردارند؟

1. Investment Grade Rating

پیوستن به سازمان تجارت جهانی فرصتهایی را برای این بانکها در بازارهای منطقه‌ای فراهم می‌آورد؛ در طول دو دهه بانکهای مرکزی کشورهای عضو شورا، حتی تمایلی به صدور پروانه برای بانکهای کشورهای همسایه نداشته‌اند. سازمان تجارت جهانی باید موجبات ادغام یا اتحادهای بانکی را فراهم آورد تا آنها را به نهادهای مالی بزرگتر، کارآتر و با سرمایه بیشتر تبدیل کند. با این همه، گشایش بازارهای داخلی به روی بانکهای خارجی، بانکهای این کشورها را با چالشهای مهمی روبه‌رو خواهد کرد. آنها برای نخستین بار در بیشتر بازارها به ویژه در بازارهای بانکی خصوصی و خرده‌فروشی با رقابت روبه‌رو می‌شوند، و بانکهای خارجی با شرکت‌های بزرگتر و با رتبه بهتر در عملیات بین‌المللی کار خواهند کرد. این امر بر سود مشتریان بانکها اثر خواهد گذاشت و همچنین برخی از ساختارهای انحصاری در منطقه، مانند قراردادهای نمایندگی انحصاری با عرضه‌کنندگان خارجی سست خواهد شد. در چنین چشم‌اندازی، به نظر می‌رسد که بهتر باشد بانکها از بازار داخلی خود دفاع کنند و با رقابت در بازارهای خارجی کسب و کار خود را متنوع نکنند.

به نظر می‌رسد که نظام بانکداری شورای همکاری توانایی محدودی برای کمک به توسعه کشورهای عرب مدیترانه داشته باشد. برعکس، بانکها با چالشهای متعددی در کشورهای خود روبه‌رو هستند و این حاکی از آن است که آنها طی چند سال آینده توجه خود را به توسعه، دفاع و گسترش فرانشیز (امتیاز)های خود در بازار منطقه معطوف خواهند کرد.

نقش بحرین به عنوان مرکز مالی برون مرزی

محدودیت عملیات بانکهای خارجی در خلیج فارس برای هر کشور منطقه فرصتی فراهم آورده است تا سیاست آزادتری را دنبال کند. همان طوری که در زمان سالهای شکوفایی نفت در دهه ۱۹۷۰، بسیاری از بانکهای بین‌المللی کوشیده بودند داد و ستد در منطقه را به سوی خود جذب کنند. بحرین در سال ۱۹۷۵ با تصویب آیین‌نامه «مقررات بانکداری برون مرزی» به بانکهای خارجی در برابر کارمزد جزیی اجازه ثبت نام برای داد و ستد می‌داد، بدون آنکه مشمول کنترل‌های پولی یا دیگر مقررات شوند؛ مشروط بر آنکه معاملات آنان با

غیر مقیم‌ها باشد.^۸ گرچه عربستان سعودی و کویت شروطی برای این ابتکار در نظر داشتند، ولی بحرین اجازه این کار را به دست آورد، چون همسایگان نیاز جزیره را به متنوع کردن خدمات خود، با توجه به منافع محدود نفتی آن، تشخیص داده بودند. بحرین دارای جمعیت نسبتاً تحصیل کرده‌ای است که تا حدی به دلیل نقش تجاری تاریخی آن به فعالیت خدماتی گرایش دارد، ولی دلیل اصلی، حضور نظامی گسترده انگلستان تا پیش از استقلال است که برای سکنه بومی در محیط انگلیسی زبان تولید اشتغال کرده بود.

جنگ داخلی لبنان سبب شد که بانکهای بیروت دیگر نتوانند در خلیج فارس فعالیت داشته باشند.^۹ در نتیجه بحرین با رقابت منطقه‌ای ناچیزی روبه‌رو شد، زیرا برای فعالیت در خلیج فارس از موقعیت جغرافیایی بهتری برخوردار بود و با عربستان هم محدوده زمانی مشترکی داشت. بانکداری برون مرزی به سرعت با سپرده گذاری ۲٫۵ میلیارد دلاری در کشورهای همسایه خلیج فارس آغاز شد و این رقم در ۱۹۷۹ به بیش از ۱۶ میلیارد دلار رسید.^{۱۰} شمار بانکهای برون مرزی جزیره در ۱۹۸۴ به اوج ۷۴ شعبه رسید، گرچه پس از آن، تعداد آنها در ۱۹۹۷ به ۴۶ شعبه کاهش یافت.^{۱۱} علل کاهش متعدد است، ولی عمده‌ترین آنها کاهش قیمت نفت در اواسط دهه ۱۹۸۰ و جنگهای خلیج فارس بودند. تنشهای داخلی بحرین بین حاکمان سنی مذهب و اکثریت شیعه مذهب نیز بی‌اطمینانی‌هایی را پدید آورد، ولی با انجام همه‌پرسی برای تبدیل جزیره به پادشاهی مشروطه و آزادی زندانیان سیاسی، اکنون تنشها کاهش یافته است.

بانکهایی که فعالیت خود را در جزیره در دهه‌های دشوار ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ ادامه دادند، به بازیگران منطقه‌ای نیرومندی تبدیل شده‌اند، و بازار به نحو چشمگیری توسعه یافته است. ارزش داراییها و دیون بحرین در بانکهای برون مرزی در سه ماهه پایانی سال ۲۰۰۰ حدود ۹۲ میلیارد دلار بود^{۱۲} و به نظر می‌رسد که ارزش بازار تا ۲۰۰۲ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برسد. بیش از یک سوم این سپرده‌ها از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و بیشتر توسط دیگر بانکها می‌آید و حدود ۳۰ درصد از وامها نیز به نهادهای شورای همکاری تعلق می‌گیرد. به هر حال، بیش از ۳۰ درصد از سپرده‌ها از اروپا آمده‌اند و درصد ثابتی از وامها نیز به آنها تعلق دارد.

سه چهارم مجموع این معاملات به دلار انجام می‌شود، ولی پرداخت وام به یورو نیز تا پایان

۲۰۰۰ به حدود ۷,۲ میلیارد دلار بالغ می‌شد و سپرده‌ها به یورو نیز ۶,۸ میلیارد دلار ارزش داشت. این داراییها و دیون به یورو تنها به میزانی محدود جایگزین داراییها و دیون در منطقه ارزی یورو شده‌اند. کاهش داراییهای نگهداری شده در «دویچه بانک» از ژانویه ۱۹۹۹ تا دسامبر ۲۰۰۰ از ۲,۹ میلیارد دلار به ۱,۱ میلیارد دلار فقط بخش کوچکی از افزایش داراییها به یورو محسوب می‌شود. اگر ارزش یورو در برابر دلار بیشتر بود، بی‌تردید بانکهای برون مرزی بیشتری از آن به عنوان دارایی به صورت اوراق بهادار استفاده می‌کردند. در هر صورت، یورو پس از دلار و ارزهای کشورهای عضو شورای همکاری، به ویژه ریال عربستان سعودی، سومین ارز مهم بانکهای برون مرزی بحرین به شمار می‌رود.^{۱۳} بیش از نیمی از سپرده‌ها و وامهای برون مرزی بین بانکها در بحرین و دفاتر مرکزی یا شعبات آنها متمرکز است. حدود یک چهارم سپرده‌ها از بانکهای دیگر می‌آیند و مقدار مشابهی نیز از شرکتهای مهم منطقه‌ای و چند ملیتی آمده‌اند. وام‌دهی به این شرکتهای اهمیت کمتری دارد و داراییهای ارزی این شرکتهای بخش بزرگتری از داراییهای بانکها را تشکیل می‌دهد. بنابراین بیشتر فعالیت برون مرزی مربوط به معاملات بین بانکها، با ماهیت کوتاه مدت است. به هر صورت، بازار منبع نقدینگی مهمی برای نظام بانکداری در خلیج فارس به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد که آینده این راستا تضمین شده است.

بحرین همچنین به مرکز عمده بانکهای منطقه‌ای با مالکیت مشترک تبدیل شده است. که مهمترین آنها عبارتند از ABC^(۱) و GIB^(۲). بانک اخیر در ۱۹۷۵ و قبلی در ۱۹۸۰ تأسیس شدند، ولی ABC به نهادی بزرگتر با سرمایه حدود ۲۵ میلیارد دلار تبدیل شده است در حالی که سرمایه GIB ۱۵ میلیارد دلار است.^{۱۴} در سال ۲۰۰۰، GIB بانک بین‌المللی سعودی را در لندن به چنگ آورد. شرکت سرمایه‌گذاری خلیج فارس ۷۲,۵ درصد از سهام GIB را در اختیار دارد و مالکیت خود شرکت به میزان مساوی در اختیار دولتهای عضو شورا است. بقیه سرمایه به موسسه پولی عربستان سعودی (۲۲,۵ درصد) و Jp Morgan (۵,۳)

1. Arab Banking Corporation
2. Gulf International Bank

درصد) تعلق دارد.^{۱۵} سازمان سرمایه‌گذاری کویت با ۲۶,۹۳ درصد از سرمایه، مالک اصلی ABC به شمار می‌رود و بانک مرکزی لیبی (۲۶,۷۹ درصد) و سازمان سرمایه‌گذاری ابوظبی (۲۵ درصد) شرکای عمده دیگر به شمار می‌روند.^{۱۶} فعالیت اصلی GIB بانکداری تجاری است، ولی با در اختیار گرفتن بانک بین‌المللی سعودی برای فعالیت در زمینه‌های تأمین مالی شرکتی و مدیریت موجودی اوراق بهادار و خدمات مشاورتی در موقعیت بهتری قرار گرفته است. فعالیت ABC بیشتر در بانکداری شرکتی، خدمات خزانه، بانکداری اسلامی و بانکداری خصوصی متمرکز شده است.

خدمات مالی اسلامی

خدمات مالی اسلامی در خلیج فارس دارای سریعترین رشد در بازار بانکداری است. خدمات مالی اسلامی در سراسر جهان به صنعتی ۱۴۰ میلیارد دلاری تبدیل شده است، و پولهایی که مطابق شریعت سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری می‌شوند سالانه ۱۵ درصد افزایش می‌یابند. بخش مهمی از این پولها در نهادهای مالی اسلامی مانند الراجی^(۱) عربستان سعودی و اتاق مالی کویت^(۲) بر اساس مضاربه (تقسیم سود) سپرده می‌شوند که بهره ندارند.^{۱۷}

بانکداری اسلامی، دست کم در چارچوب فعالیتهای بانکداری تجاری هیچ تفاوتی با بانکداری سنتی ندارد. خلاف این دیدگاه را که بانکداری بدون بهره اقدامی خیر خواهانه یا حداقل ارزانتر است، نهادهای مالی اسلامی بزرگتر منطقه ثابت کرده‌اند: بانک الراجی و شرکت سرمایه‌گذاری و اتاق مالی کویت سالهاست که در بازارهای داخلی خود از سودآورترین نهادها محسوب می‌شوند. همچنین، اغلب مسئولان نظارتی بانکداری، نهادهای مالی اسلامی را به اجرای مقررات مشابه بانکهای «متعارفی» در زمینه‌های سرمایه، ضریب مخاطره آمیز داراییها، یا نسبتهای وام-سپرده مجبور ساخته‌اند، حتی اتاق مالی کویت که

1. Al Rajhi
2. Kuwait Finance House

خارج از نظام بانکداری کویت قرار دارد همان توافق بانکهای کویت را اجرامی کند. در بحرین پانزده نهاد مالی اسلامی وجود دارد که به دلیل گستردگی و ریشه دار بودن، مراکز رقیب قادر به رقابت با آنها نیستند. مهارت و تنوع فعالیت آنها بدان معناست که برتری خود را در یک شیب آموزشی بسیار تند به اثبات رسانده اند. در حالی که دیگر نهادهای مالی اسلامی خلیج فارس بیشتر سپرده گیر مشتریان خرده پا هستند، نهادهای بحرین در بانکداری سرمایه گذاری، تأمین مالی شرکتی و تعیین قیمت و ارزیابی پروژه ها مشارکت دارند. بازار آنها سراسر شبه جزیره عربستان و جنوب آسیا را در بر می گیرد، و پیوندهای محکمی با واحدهای بانکی اسلامی در دیگر مراکز مالی بین المللی، به ویژه لندن، دارند.^{۱۸}

عربستان سعودی در سالهای ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ تمایلی به صدور پروانه ایجاد نهادهای مالی اسلامی نداشت، چون فرض بر آن بود که همه بانکهای کشور در چارچوب شریعت اسلامی فعالیت می کنند، گرچه اغلب آنها نمی توانستند تسهیلات استاندارد سپرده یا وام دهی اسلامی را عرضه نمایند.^{۱۹} بر خلاف آن، بحرین از نهادهای مالی اسلامی مشخصی، به ویژه آنهایی که از عربستان سعودی تأمین مالی می شدند، استقبال کرد. از این رو، گروه بانکداری اسلامی فیصل، که بنیان گذار آن شاهزاده محمد بن فیصل از عربستان سعودی است، و همچنین گروه البرکه، که توسط شیخ کمال سالم در جده تاسیس شده بود، مراکز عمده عملیاتی خود را در جزیره برپا کردند. اکنون آنها به بزرگترین نهادهای مالی اسلامی بحرین تبدیل شده اند. البرکه فعالیتهای بانکی اسلامی پراکنده خود را به یک نهاد واحد مستقر در بحرین تبدیل کرد که سرمایه پرداخت شده آن ۵۵۰ میلیون دلار است، بدین ترتیب براساس میزان سرمایه، بزرگترین بانک اسلامی در سراسر جهان به شمار می رود. واسطه های مالی اسلامی کوچکتر ولی رو به رشد دیگر از جمله نخستین بانک سرمایه گذاری اسلامی و شرکت سرمایه گذاری اسلامی خلیج فارس، که هر دو در بحرین قرار دارند، هر کدام دارای سرمایه پرداخت شده ای به میزان بیش از ۱۰۰ میلیون دلار هستند.

بازسازی اخیر بخش بانکداری اسلامی بحرین فعالیت هرچه بیشتر مالی اسلامی را فراهم آورده است. ادغام بانک اسلامی فیصل بحرین با شرکت سرمایه گذاری اسلامی

خلیج فارس و تشکیل «بانک شمیل» نهادی بسیار بزرگتر را با حدود ۳ میلیارد دلار دارایی پدید آورده است. نبیل ناصر از بانک فیصل سابق نخستین رییس و مدیر کل آن بود، ولی انتخاب او تنها جنبه موقت داشت و سپس دکتر سعید المارتین، از بانک تجاری ملی عربستان سعودی که مسئولیت خدمات بانکداری اسلامی را عهده دار بود، جانشین او گردید.^{۲۰}

بانک منطقه ای و خارجی اسلامی دیگری نیز در بحرین فعالیت دارد. سرمایه گذار بین المللی کویت، که در بانکداری سرمایه گذاری اسلامی و به کارگیری پولهای خصوصی تخصص دارد، همچنین در پی سهمی از بازار بحرین است، و جایگاه جزیره را به عنوان مرکز عمده تأمین مالی اسلامی تقویت می کند. بسیاری از بانکهای بین المللی بزرگ اکنون خدمات مالی اسلامی عرضه می کنند، از جمله Citi Bank که شعبه ای، بانک سرمایه گذاری اسلامی سیتی، را در بحرین گشود. مدیر کل کنونی آن از سال ۱۹۹۶ سعد زمان است که پیش از این در دبی کار می کرد. شرکت بانکداری عرب نیز که یک شعبه اسلامی در بحرین دارد، نشانه دیگری از اهمیت بحرین برای تأمین مالی اسلامی حضور بانک هلندی ABN-Amro است. این بانک عملیات خدمات اسلامی جهانی را در بحرین به منظور تأمین مالی پروژه ها به وجود آورده است. این بانک تاکنون مدیریت نقدینگی اسلامی، تأمین مالی تجاری و تأمین مالی دارایی ساختاری را ارائه می دهد، ولی قصد دارد دامنه خدمات خود را از بحرین گسترش دهد.

نهادهای مالی اسلامی نسبت به بانکهای معمولی شکلهای گوناگونی از داراییها و دیون را دارند، از این رو باید به روشی متفاوت به آنها نگریست. بحرین به عنوان مرکز سازمان حسابداری و حسابرسی برای نهادهای مالی اسلامی استانداردهایی را تعیین کرده است که اغلب نهادهای مالی اسلامی آنها را پذیرفته اند. روش گشودن اعتبار برای تأمین مالی تجاری با نهادهای مالی اسلامی تفاوت دارد؛ برای نمونه، چون بانک به طور موقت مالک کالاهای تأمین مالی شده است این مسئله پدید می آید که طبق قانون مباحه، آیا ارزش کالا همان قیمتی است که بانک خریداری کرده است و یا قیمت بالاتری است که بانک قصد فروش کالا را دارد. روشن است که اگر قرار باشد با استفاده از حسابهای مالی نهادهای مالی اسلامی

گوناگون مقایسه‌ای معنادار صورت گیرد روش نیز باید پایدار باشد.

موسسه بولی بحرین بیش از هر یک از بانکهای مرکزی خلیج فارس، در ارتباط با تنظیم نهادهای مالی اسلامی تجربه کسب کرده است، زیرا تعداد و تنوع نهادهای مالی اسلامی در جزیره بسیار زیاد است. تاکنون هیچ بانک اسلامی در بحرین ورشکست نشده و جنجالی مشابه آنچه برای بانک اسلامی دبی در ۱۹۹۸ روی داد، اتفاق نیفتاده است. برای آینده بانکداری اسلامی در جزیره این امر نویدبخش است، چون اعتماد مشتریان را به تمامی نهادها به همراه دارد و محیط باثباتی را برای معاملات بین بانکی پدید می‌آورد. «شورای عالی بانکداری اسلامی» نیز که برای هماهنگ کردن تحولات راهکاری تأسیس شده است، موضع جزیره را بیش از پیش تقویت می‌کند.^{۲۱}

بحرین همچنین به مرکز عمده‌ای برای همایشهای بانکداری و تأمین اسلامی خلیج فارس تبدیل شده است که برای هتلهای جزیره کسب و کار تولید می‌کند. مجمع بین‌المللی بانکداری اسلامی هر سال در بحرین با حضور بیش از ۵۰۰ بانکدار تشکیل می‌شود، و نشانگر بزرگترین گردهمایی در نوع خود برای بانکداری اسلامی و سنتی به شمار می‌رود. شرکت مشاوران مالی اسلامی، که نخستین شرکت تخصصی در نوع خود است، نیز در بحرین قرار دارد. بانکداری اسلامی به اندازه کافی مسئله دارد که وجود چنین خدمات مشاوره‌ای را همیشگی کند. گرچه تأمین مالی طرح هنوز نوپاست، ولی بانکهای بحرین در جایگاه مناسبی برای عرضه چنین خدماتی قرار دارند. نیاز فزاینده‌ای به تأمین مالی خصوصی برای کار زیرساختاری و توسعه خدمات مانند آب و برق وجود دارد. در سال ۱۹۹۹، بانک اسلامی ABC بحرین برای خرید دو توربین گازی با سازمان آب و برق شارجه قرارداد اجاره‌ای ۵۶ میلیون دلاری منعقد کرد. این توربینها برای راه اندازی مرحله دوم نیروگاه واسط در شارجه مورد نیاز بودند. اجاره توربینها پنج ساله است که می‌توان برای دو سال دیگر آن را تمدید کرد. بانک اسلامی ABC توانست ۱۳ نهاد را، که بیشتر در بحرین مستقر هستند، در تأمین مالی طرح شریک کند.

بازار قرضه اسلامی

جدیدترین ابتکار در بحرین، ایجاد بازار قرضه اسلامی است.^{۲۲} مؤسسه پولی بحرین در پی راه اندازی وسایلی ثانوی با پشتیبانی داراییهایی مانند مدارس و بیمارستانهاست که حقوقدانان اسلامی آن را از لحاظ اجتماعی، سرمایه گذاری مطلوبی تلقی می کنند. به جای آنکه دولت با گرفتن وام میادرت به تأسیس مدارس و بیمارستانهای جدید کند، قرضه های اسلامی منتشر می شود، و برگشتیهای آنها از محل سودهای حاصله از مدارس و بیمارستانها حاصل خواهد شد. این نهادها لزوماً مجبور نیستند خصوصی باشند، چون دولت نیز می تواند شهریه دانش آموزان، یا بیماران تحت پوشش نظام تأمین اجتماعی را بپردازد. بنابراین، سودها به تعداد جذب شدگان، و تفاوت بین هزینه تأمین خدمات و دریافتها بستگی دارد.

یک گروه کاری برای بازار بین المللی تأمین مالی اسلامی (IIFM) با شرکت نمایندگان بحرین، مالزی، عربستان سعودی، اندونزی، سودان، بروئی، ایران و بانک توسعه اسلامی تأسیس شده است، که هدف آن ایجاد یک بازار جهانی مالی اسلامی به عنوان جایگزین بازارهای متعارف است. بازار، عملاً دارای دو مرکز تجاری، یکی در بحرین و دیگری در مرکز مالی فلات قاره مالزی، جزیره لایئون، است. به دلیل آنکه آنها در دو منطقه متفاوت زمانی در غرب و جنوب شرقی آسیا و در دوسوی اقیانوس هند قرار دارند، هر کدام دارای یک منطقه داخلی ساحلی هستند که می توانند حجم مورد نیاز را فراهم آورند. بحرین مدتهاست که مرکز مالی عمده خلیج فارس به شمار می رود، ولایئون نیز مرکز فلات قاره مالزی، اندونزی و بروئی در ده سال گذشته بوده است. در سطح خرده فروشی، معاملات اوراق قرضه اسلامی از طریق اینترنت صورت خواهد گرفت. اتاق مالی خلیج فارس در بحرین، بانک اسلامی جدیدی که در اکتبر ۱۹۹۹ تأسیس شد، برای بازار خرده فروشی یک بانک الکترونیکی (e-bank) اسلامی تأسیس کرده است. حامیان ریاض نشین آن ۳۲٫۵ میلیون دلار تعهد پرداخت داده اند و یکی از سهامداران Injazat Tech جده است.

مسئولیتها در سطح مدیریت مالی اسلامی بین بحرین و لایئون تقسیم شده است. بحرین مرکز مدیریت نقدینگی خواهد بود که با تضمین وجه رسانی بازارهای ارز اسلامی

همواره خریدار و فروشنده کافی برای تجارت خواهد داشت. نهادهای عمده مالی اسلامی در عمل، امضاکنندگان سهام اوراق بهادار به نام خود و به نمایندگی از سوی مشتریان عمده خواهند بود. لایئون دارای مرکز مدیریت بازار خواهد بود که درباره مناسبترین شیوه های تنظیم بازارهای مالی اسلامی تحقیق خواهد کرد تا تضمین شود که همه شرکت کنندگان قادرند، تا حد امکان، تعهدات خرید و فروش خود را اجرا نمایند.

توسعه بازار سهام

بازارهای سهام خلیج فارس توسعه یافته تر از بازارهای مشابه در کشورهای عرب مدیترانه است. عربستان سعودی دارای بزرگترین بازار از لحاظ سرمایه در خاورمیانه و جهان عرب است و در جهان اسلام پس از مالزی در مکان دوم قرار دارد. برآورد ارزش سرمایه آن ۷۰ میلیارد دلار یا بیش از دو برابر ارزش بازار سهام کویت است که بازتابی از وسعت اقتصاد کشور به شمار می رود.^{۲۳} قیمت سهام در عربستان سعودی با تحولات بهای نفت و پیش بینیها مربوط به بهای نفت ارتباط تنگاتنگ دارد.^{۲۴} تحولات بازار سهام بین المللی به اندازه سیاستهای داخلی دولت بر قیمت های بازار اثر می گذارد، زیرا سرمایه گذاران سعودی در بازار معمولاً مقادیر هنگفتی پول در بازارهای عمده غربی، به ویژه بورس نیویورک و NASDAQ سرمایه گذاری کرده اند.

بیشتر سرمایه گذاران افراد ثروتمندی هستند که پولها را بین کشور خود و بازارهای غربی جا به جا می کنند، و همچنین اگر انتظارات بازار ضعیف باشد، به پول نقد تبدیل می نمایند. تحولات نرخ بهره بین المللی بر بازار اثر می گذارد و SIBOR، بهره پیشنهادی بین بانکی سعودی، مطابق با LIBOR، نرخ بهره بین بانکی لندن، معمولاً با جایزه ۰٫۴ درصد تا ۰٫۸ درصد نوسان دارد که این جایزه به خاطر مخاطرات احتمالی برای سپرده ها به ریال سعودی است، هر چند که ارزش برابری آن با دلار ثابت است.^{۲۵}

سرمایه گذاران خارجی اجازه سرمایه گذاری مستقیم در بازار سهام عربستان سعودی را ندارند، ولی از طریق صندوقهای تعاونی عرضه شده به وسیله بانکهای محلی، ممکن است به

طور غیر مستقیم سرمایه گذاری کنند. علت آن است که سرمایه گذاری خارجی در خرید اوراق بهادار مسیری میان بُر برای کنترل شرکتهای عربستان سعودی نباشد. قوانین جدید سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاری مستقیم را در بسیاری از زمینه های اقتصادی عربستان سعودی اجازه می دهد، ولی اداره سرمایه گذاری عمومی که معافیت آن به سادگی شامل سرمایه گذاری در خرید اوراق بهادار نمی شود، بر آن نظارت و کنترل دارد. «بانک سعودی آمریکایی» وجوه را به صورت سهام سعودی با موفقیت نسبی در اختیار مدیران خارجی بازارهای پولی نوپا قرار داده است. بانکهای دیگر تولیدات صندوقهای تعاونی را به غیر شهروندان مقیم کشور فروخته اند، ولی آنان کمتر از ۲۰ درصد از سهامداران را در بازار محلی تشکیل می دهند.

بازار سهام عربستان سعودی به رغم وسعت آن کوچکتر از حد انتظار است. جمعیت مالزی مشابه عربستان سعودی و تولید ناخالص (GNP) آن ۶۰ درصد سعودی^{۲۶} است، با وجود این بازار سهام آن حدود ۲٫۵ برابر عربستان است.^{۲۷} با وجود آنکه منبع اصلی تأمین کننده اصلی پروژه ها در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بیشتر از طریق صندوق سرمایه گذاری عمومی خود دولت بوده است، نقش تهیه منابع مالی با فروش سهام بخش خصوصی محدود بوده است.^{۲۸} در اواخر دهه ۱۹۸۰، به دلیل کاهش قیمت نفت، تأکید بیشتری بر نقش بخش خصوصی در توسعه صورت گرفت، ولی این جریانات و جنگ خلیج فارس نتوانستند اعتماد سرمایه گذاران محلی را جلب کنند، و در واقع مقدار معتنا بهی از سرمایه به بازارهای غربی گریخت.^{۲۹}

به رغم این بی اطمینانی ها در اواسط دهه ۱۹۹۰، بازار سهام عربستان سعودی به نحو چشمگیری رشد یافت، و گرچه کاهش قیمت نفت در ۱۹۹۸ سبب سقوط قیمت سهام شد، ولی در سال ۱۹۹۹، شاخص کلی بازار ۴۴ درصد رشد کرد.^{۳۰} قیمتها در سال بعد بیشتر را کد بودند، ولی سال ۲۰۰۱ نوید آینده بهتری را داد. به هر حال، بازار وسعت چندانی ندارد، و سهام بانکی حدود نیمی از سرمایه بازار را تشکیل می دهد: صنایع یک سوم، خدمات رفاهی ۱۵ درصد، خدمات تنها ۴ درصد و کشاورزی کمتر از یک درصد پایه را در اختیار دارند.

SABIC (شرکت صنایع پایه عربستان سعودی)، بزرگترین شرکت ثبت شده در بورس است، و بانک سعودی آمریکایی در مکان دوم جا دارد.

بازارهای سهام در خلیج فارس نیز همانند جاهای دیگر بیشتر دارای پایه ملی اند تا منطقه‌ای، و بیشتر سرمایه‌گذاران یا در بازار محلی خود و یا در یک یا چند بازار غربی سرمایه‌گذاری می‌کنند، ولی معمولاً از سرمایه‌گذاری در دیگر بازارهای خلیج فارس که ویژگی‌های مخاطراتی مشابهی دارند خبری نیست. هرگونه تلاشی برای ایجاد بازار منطقه‌ای با مقاومت کشورهای دارای بازارهای کوچکتر، به ویژه کویت، بحرین، عمان، قطر و امارات روبه‌رو خواهد شد، زیرا مرکز فعالیت بازار باید در عربستان سعودی باشد. نهادهایی مانند بازار سهام مایهٔ غرور ملی به شمار می‌رود، حتی اگر عملکرد واقعی آنها بسیار متغیر باشد.

تنها تلاش واقعی برای مبادلات بورس منطقه‌ای، سوق المناخ بدفرجام، بازار غیررسمی بورس کویت بود که در آن سهام شرکتهای محلی فاقد شرایط لازم برای عرضه در بازار رسمی، و سهام شرکتهایی که در دیگر مناطق خلیج فارس به ثبت رسیده بودند، خرید و فروش می‌شد. سوق پس از شکوفایی نفتی ۸۱-۱۹۷۹ به سرعت گسترش یافت، اما در سال ۱۹۸۲ حباب ترکید و بازار بسته شد، و مقدار زیادی طلب غیر قابل وصول بر جا ماند که تسویه آنها ده سال طول کشید.^{۳۱} بسیاری از سهام با پول وام خریداری شد و وقتی که قیمت‌های سهام سقوط کردند و امها نیز پرداخت شدند. علت اصلی سقوط بازار، اطلاعات بسیار محدود مالی ارایه شده از سوی شرکتهای بود و ارزش‌گذاری سهام در ۱۹۸۲ بیشتر از درآمد و ارزشهای دارایی شرکتهای بود.

برخلاف اغلب کشورهای رو به توسعه، عربستان سعودی دارای صندوق تعاونی بزرگی با حدود ۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه و سهام در کشور است. بانکها صندوقهای تعاونی را به عنوان تولیدات سرمایه‌گذاری به دارندگان حسابهای جاری و پس انداز خود می‌فروشند، و نشنال کامرشیاال بانک، فعالترین بانک در این زمینه، بیش از نیمی از بازار محلی را در اختیار دارد.^{۳۲} بیشتر وجوه به دلار است و در شرکتهای بزرگ چند ملیتی ثبت شده در نیویورک سرمایه‌گذاری می‌شوند، ولی مقداری از وجوه نیز در سهام

شرکتهای محلی و به ریال عربستان سرمایه‌گذاری می‌شوند. بیشتر از یک سوم این وجوه صندوقهای تعاونی، اسلامی توصیف شده‌اند، چون سرمایه‌گذاری در شرکتهایی است که برای سازگاری با شریعت تحت بازرسی قرار دارند، و سرمایه‌گذاری در شرکتهایی که منبع اصلی درآمد آنها مشروبات الکلی، فرآورده‌های خوک، قمار، زشت‌نگاری یا معاملات بهره‌دار است، ممنوع است. شباهتهای فراوانی بین صنعت تعاونی اخلاقی غرب و صندوقهای تعاونی اسلامی وجود دارد.^{۳۳}

باز چرخانی ثروت بخش خصوصی

افسانه‌های فراوانی درباره‌ی ثروتهای خصوصی در شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد. ارقام داراییهای مالی افراد و شرکتهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در خارج از منطقه بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار ذکر شده است. با توجه به توزیع ثروت در این کشورها و در حالی که منبع اصلی درآمد و بهره‌برداری از منابع نفتی کشورها هنوز مایملک خانواده‌های حاکم تلقی می‌شود، این ثروت در اختیار تعداد محدودی است. تازه‌ترین فهرست میلیاردرهای فوربس^(۱)، با اسامی ۵۸۳ میلیاردر نشان می‌دهد که تنها عربستان سعودی دارای هفت میلیاردر، با داراییهای مالی حدود ۳۵ میلیارد دلار است.

برداشت بسیاری از بانکدارانی که در کشورهای عضو شورا کار می‌کنند این است که ثروت خصوصی نگهداری شده در خارج، به استثنای سرمایه‌گذاریهای کارآفرین در خارج یا سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ذخیره‌ای مالی برای «روز مبادا» است. بیشتر این پولها در بانکهای سوییس و آمریکا، و به میزان کمتر در اروپا برای سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی آنها نگهداری می‌شود. سرمایه‌گذاران مقیم کشورهای شورای همکاری، علاوه بر سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار و سهام عادی، به دلیل تجربه در بازارهای محلی، در مستغلات تجاری نیز سرمایه‌گذاری می‌کنند.

طی پنج سال گذشته، درباره‌ی بازگشت وجوه به کشورها برای سرمایه‌گذاری و فعالیت

1. Forbes

در بخش خصوصی شایعات زیادی بر سر زبانها افتاد، ولی آمار موجود حاکی از آن است که گریز سرمایه از منطقه همچنان ادامه دارد.

نقش عملی و بالقوه اتحادیه اروپا در امور مالی خلیج فارس

بانکهای اروپایی از اوایل قرن بیستم در خلیج فارس فعالیت داشته اند، و مهمترین آنها بانک انگلیسی Eastern در عراق بود که در ۱۹۱۷ تأسیس شد و شعبه ای هم در بحرین تحت نام بانک Imperial Bank of Persia داشت که بعدها به بانک انگلیسی خاورمیانه تغییر نام یافت و از ۱۹۴۲ شعبه ای در کویت دایر کرد.^{۳۴} Trading Society هلند، که بعدها «بانک سعودی هلندی» نام گرفت، از ۱۹۲۷ و به عبارتی سی سال پیش از ورود Citi Bank، در جده کار عملیات بانکی را آغاز کرد،^{۳۵} گرچه باید اذعان داشت که آمریکایی ها در دهه ۱۹۵۰ نقش اصلی را در تأسیس موسسه پولی عربستان سعودی بازی کردند^{۳۶} که در آن زمان نقش بانک مرکزی کشور را داشت.

ابعاد مشارکت بانکی اروپایی در خدمات خرده فروشی در خلیج فارس محدود بوده است؛ چون همان گونه که اشاره شد، کشورها تمایل چندانی به گشودن در بازارهای داخلی خود به روی رقابت بین المللی ندارند. توان بالقوه همکاری بیشتر با بانکهای محلی موجود از طریق ادامه خدمات ویژه وجود دارد، گرچه حتی در این زمینه نیز نهادهایی مانند شرکت بانکداری عرب و بانک بین المللی خلیج فارس نقش عمده ای بازی می کنند و نیاز به وابستگی به بانکهای تماماً اروپایی را کاهش می دهند. تقاضای مداوم از سوی مشتریان ثروتمند خلیج فارس برای خدمات بانکی خصوصی وجود دارد که رقیب اصلی بانکهای اتحادیه اروپا، بانکهای سوییس هستند. بانکهای اتحادیه اروپا می توانند برای بازار خلیج فارس تولیدات مالی اسلامی عرضه نمایند. برخی از آنها، به ویژه HCBC لندن^{۳۷}، و بانک هلندی ABN-Amro، با شعبه های ویژه اسلامی خود در این بازار فعالیت دارند، ولی دیگر بانکهای عمده اروپایی مایلند چنین خدماتی را به صورت موردی و نه به طور منظم ارائه دهند. ادغام بازار سرمایه بین بازارهای خلیج فارس و اروپا هنگامی مشکلتر می شود که در نظر آوریم

هیچیک از دو منطقه دارای بازار ادغام شده نیستند.^{۳۸} امکان کارگزاری متقابل از سوی شرکتهای معتبر خلیج فارس مانند SABIC یا اتصالات (شرکت تلفن همراه امارات متحده عربی)، بزرگترین شرکت ثبت شده در منطقه برحسب تبدیل به سرمایه در بازار، وجود دارد.^{۳۹} امکان دیگر آن است که بازارهای مهم سهام اروپایی کمکههای فنی در اختیار بازارهای خلیج فارس قرار دهند. NASDAQ شاید بخواهد با ایجاد اتحادیهایی با دیگر ارزها از طریق سرمایه گذاریهای مشترک، نفوذ خود را گسترش دهد و ممکن است بازارهای اروپایی نیز مایل باشند در این سرمایه گذاریهای مشابه در خلیج فارس مشارکت کنند یا با آنها به رقابت پردازند. موضوعات تنظیمی در شورای همکاری با اتحادیه اروپا تفاوت دارند، ولی زمینه همکاری با مؤسسات اروپایی مانند اداره خدمات مالی در انگلستان که با بانکهای مرکزی خلیج فارس در هر زمینه مربوط به بانکهای دارای شعبه در لندن همکاری می کند، وجود دارد. امکان همکاری با بانک مرکزی اروپایی نیز به خاطر تجربه آن در مدیریت ارز واحد وجود دارد، چون کشورهای عضو شورا می خواهند برابری ثابت بین ارزهای خود را به هنگام حرکت به سوی وحدت ارزی منطقه ای حفظ کنند. این کشورها مایلند از یورو به عنوان جایگزین دلار استفاده کنند تا معاملات را متنوع تر سازند. استفاده کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از یورو به پذیرش بین المللی آن به عنوان ارز ناقل و پول دارایی اوراق بهادار از سوی طرف ثالث بستگی دارد و این امر نیز به نوبه خود منوط به چگونگی عملکرد مبادله ارز در برابر دلار است. پس از به جریان افتادن ارز جدید در ژانویه ۱۹۹۹ انتظار می رفت مقداری از سپرده های یورو - دلار به ارز دیگری تبدیل شوند،^{۴۰} ولی بانکها تاکنون جانب احتیاط را رها نکرده اند. این مورد در بانکهای مرکزی و مؤسسات پولی خلیج فارس نیز صدق می کند که همچنان بیشتر ذخایر خود را به دلار نگه داشته اند. از آنجایی که قیمت نفت به دلار تعیین می شود و نیز نرخ ارزهای خلیج فارس در برابر دلار ثابت نگه داشته می شوند، بی تردید استفاده از یورو هم برای پرداختها و هم برای مداخله جهت حمایت از ارزهای خلیج فارس محدود باقی خواهد ماند.

استفاده آتی از یورو در خلیج فارس به ابعاد تجارت و معاملات مالی اتحادیه اروپا با

منطقه، و همچنین به موفقیت یورو در برابر دلار بستگی دارد. پذیرش یورو بازتاب این روابط تجاری، و نه قوه محرکه آن، خواهد بود. با توجه به روابط سیاسی تیره بین خلیج فارس و ایالات متحده بر سر اسرائیل و این واقعیت که کشورهای خلیج فارس در سپر دفاع موشکی آمریکا بر ضد کشورهای یاغی جایی نخواهند داشت، شاید تمایل سیاسی برای مشاهده یک موضع گیری مجدد درباره منافع اقتصادی خلیج فارس وجود داشته باشد. متأسفانه، تا جایی که به روابط اتحادیه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مربوط می شود، شاید واقعیت‌های اقتصادی با آرمان‌های سیاسی هم خوانی نداشته باشند. □



مجموع وامها، داراییها و دارایی خاص بانکهای بحرین... دسامبر ۲۰۰۰

دارایی خاص به دلار (میلیون)	کل داراییها به دلار (میلیون)	وامها به دلار (میلیون)	رتبه	موقعیت قانونی	نام بانک	کشور
۵۱	۱۹۳	۱۳۹		اسلامی	بانک اسلامی البرک BSC	بحرین
۱۳۷	۸۶۶	۵۳۷		تجاری	بانک تجاری الاهلی BSC	بحرین
۶۳	۱۴۶	۷۵	BBB-	تجاری	بانک بین المللی عرب Alubai	بحرین
۱,۸۵۱	۱۰,۴۳۶	۴,۲۹۴		فلات قاره	شرکت بانکداری عرب BSC	بحرین
۵۶	۸۲	۵۰		اسلامی	بانک عرب اسلامی E.C.	بحرین
۳۳	۶۵	۳۴		تخصصی	بانک توسعه بحرین B.S.C	بحرین
۲۲۴	۹۶۷	۱۸	BBB	سرمایه گذاری اسلامی	بانک بین المللی بحرین E.C.	بحرین
۴۰	۴۱۶	۳۴۱		تجاری	بانک اسلامی بحرین B.S.C	بحرین
۸۳	۴۴۵	۲۶۶		تجاری	بانک سعودی بحرین B.S.C	بحرین
۲۷۷	۲,۷۳۴	۱,۳۴۵		تجاری	بانک بحرین و کویت B.S.C	بحرین
۱۳۳	۶۵۶	۱۳	BBB-	سرمایه گذاری	بانک سرمایه گذاری BMP	بحرین
۳۱	۳۹۸	۱۹۴		تجاری	بانک بازرگانی بحرین B.S.C	بحرین
۱,۲۰۶	۱۵,۱۴۰	۳,۰۳۳	BBB+	فلات قاره	بانک بین المللی خلیج فارس B.S.C	بحرین
۷۶۳	۳,۸۳۱	۷۶	BBB	سرمایه گذاری اسلامی	بانک Investorip	بحرین
۱۱۵	۱۸۲	۷۶		تجاری	شرکت سرمایه گذاری خلیج فارس (بحرین)	بحرین
۲۸۶	۲,۷۵۳	۱,۰۵۷		تجاری	بانک ملی بحرین	بحرین
۱۲۸	۳۸۹	۱۱۰		تجاری	بانک شهبول بحرین FC	بحرین
۱۲۱	۵۱۳	۳۴		سرمایه گذاری	بانک طیب E.C	بحرین
۲۰۸	۷۳۳	۱۰۰		سرمایه گذاری	بانک یونایتد گلف EC (BSC)	بحرین

منبع:

Bankscope Database v 16.00 (distributed by Bureau van Dijk).
Commerz Bank Global Financial Institution Risk Management Department.

مجموع وامها، داراییها و دارایی خاص بانکهای کویت و عمان، دسامبر ۲۰۰۰

دارایی خاص، بدو دلار میلیون)	کل داراییها به دلار (میلیون)	وامها به دلار (میلیون)	رتبه	موقعیت قانونی	نام بانک	کشور
۲۷۴	۳,۸۱۷	۱,۶۷۱		تجاری	بانک الاهلی کویت (KSC)	کویت
۴۱۵	۲,۸۴۸	۱,۰۹۵		تجاری	بانک کویت و خاورمیانه	کویت
۲۷۰	۳,۷۷۶	۱,۵۲۵		تجاری	برهان بانک SAK	کویت
۵۱۷	۵,۰۵۵	۲,۳۷۷	BBB+	تجاری	بانک تجاری کویت SAK	کویت
۵۹۳	۵,۴۱۴	۳,۰۶۷	BBB+	تجاری	گلف بانک KSC	کویت
۳۹۱	۱,۱۴۹	۲۴۲		تخصصی	بانک صنعتی کویت K.S.C	کویت
۶۰۶	۵,۸۱۵	۳,۵۶۶		اسلامی	اتاق مالی کویت	کویت
۲۸۲	۱,۷۸۸	۱,۴۸۵	A-	تجاری	بانک مستللات کویت	کویت
۱,۳۱۲	۱۲,۳۷۷	۴,۲۴۴	BBB-	تجاری	S.A.K کویت	کویت
۸۹	۶۸۰	۵۱۳	BBB-	تجاری	بانک قطر العسائی الفراسی (SAOC)	عمان
۱۶۲	۱,۸۴۴	۱,۵۱۴	BBB-	تجاری	بانک مسقط SAOG	عمان
۶۳	۵۸۶	۳۴۵		تجاری	بانک عمان، بحرین و کویت SAOG	عمان
۱۸۹	۱,۴۵۵	۱,۰۰۳	BBB-	تجاری	بانک باروگانی عمان S.A.O.G	عمان
۶۷	۱۲۴	۸۷		تخصصی	بانک صنایع عمان SAOG	عمان
۶۷	۱۸۰	۱۲۶		تجاری	بانک بین المللی عمان SAOG	عمان
۲۸۶	۲,۱۶۵	۱,۵۹۹		تجاری	بانک ملی عمان (SAOG)	عمان
۱۰۰	۷۱۸	۵۹۱		تجاری	بانک عربی عمان SAOG	عمان
۵۴	۲۹۸	۲۶۴		تخصصی	بانک توسعه عمان SAOG	عمان
۱۴۱	۴۴۴	۲۳۵		تخصصی	بانک مسکن عمان (S.A.O.C)	عمان
۳۲۰	۲,۱۷۲	۱,۵۲۲		تجاری	بانکی بین المللی عمان	عمان

منبع:

Bankscope Database v 16.00 (distributed by Bureau van Dijk).
Commerz Bank Global Financial Institution Risk Management Department.

مجموع واحدها، داراییها و دارایی خالص بانکهای قطر و عربستان سعودی، دسامبر ۲۰۰۰

دارایی خالص به دلار میلیون)	کل داراییها به دلار میلیون)	واضعا به دلار میلیون)	رتبه	موقعیت قانونی	نام بانک	کشور
۷۸	۷۲۲	۳۶۵		تجاری	بانک الاهلی قطر (O.S.C)	قطر
۱۳۹	۱,۲۷۵	۶۲۷		تجاری	بانک بارگانی قطر OSC	قطر
۱۲۳	۱,۳۶۱	۷۴۷		تجاری	بانک دوحه	قطر
۴۵	۶۸	۴		تخصصی	بانک توسعه صنعتی قطر	قطر
۸۳	۵۰۵	۳۳۹		اسلامی	بانک اسلامی بین المللی قطر	قطر
۸۳	۱,۰۹۴	۸۶۱		اسلامی	بانک اسلامی قطر	قطر
۱,۱۹۱	۶,۷۶۳	۳,۷۳۵	BBB	تجاری	بانک ملی قطر	قطر
۸۸۱	۸,۶۵۷	۳,۸۴۸		تجاری	البنک السعودی القراسمی	عربستان سعودی
۱,۵۱۷	۱۱,۳۳۴	۵,۵۵۶	BBB+	تجاری	بانک الراجی و شرکت سرمایه گذاری	عربستان سعودی
۸۱۷	۶,۲۵۴	۳,۴۴۱	A-	تجاری	بانک ملی عرب	عربستان سعودی
۶۲۶	۱,۶۴۰	۸۵۴		تخصصی	شرکت سرمایه گذاریهای نفتی عرب (APICORP)	عربستان سعودی
۱۶۱	۱,۳۲۱	۴۶۰		تجاری	بانک الجزیره	عربستان سعودی
۲,۱۴۴	۲۴,۵۱۹	۱۵,۰۶۴		تجاری	بانک بارگانی ملی	عربستان سعودی
۲,۱۳۶	۱۷,۴۷۱	۵,۴۶۶		تجاری	بانک الرياض	عربستان سعودی
۲,۲۹۴	۲۱,۵۱۴	۸,۲۰۶	BBB+	تجاری	بانک سعودی آمریکایی	عربستان سعودی
۹۲۴	۱۱,۵۰۵	۲,۶۱۴	BBB+	تجاری	بانک سعودی انگلیسی	عربستان سعودی
۴۲۶	۵,۰۴۸	۲,۴۵۱		تجاری	بانک سعودی هلندی	عربستان سعودی
۴۵۳	۳,۵۲۱	۱,۸۸۳	A-	تجاری	بانک سرمایه گذاری سعودی	عربستان سعودی
۸۲۷	۷,۷۶۴	۲,۸۵۱		تجاری	بانک یونایتد سعودی	عربستان سعودی

صنوع:

Bankscope Database v 16.00 (distributed by Bureau van Dijk).
Commerz Bank Global Financial Institution Risk Management Department.

دارایی خاصه (میلیون)	کل داراییها به دلار (میلیون)	وامها به دلار (میلیون)	رتبه	موقعیت قانونی	نام بانک	کشور
۸۶۱	۶,۲۷۷	۶,۰۸۶		تجاری	بانک بارز گلفی ایویتی	امارات متحده عربیه
۳۰۵	۷۲۰	۵۷۷		اسلامی	بانک اسلامی ایویتی	امارات متحده عربیه
۳۲۹	۱,۱۲۴	۳۲۷		تجاری	بانک سرمایه گذاری و تجارت خارجی عرب	امارات متحده عربیه
۱۷	۵۸	۲		سرمایه گذاری	بانک سرمایه گذاری امارات عربی PSIC	امارات متحده عربیه
۸۸	۴۶۵	۲۶۷		تجاری	بانک شارجه	امارات متحده عربیه
۶۹	۴۶۹	۳۵۸		تجاری	بانک بارز گلفی بین السالی PLC	امارات متحده عربیه
۲۸۸	۱,۶۹۶	۱,۱۲۹	A	تجاری	بانک بارز گلفی دبی P.S.C	امارات متحده عربیه
۲۸۴	۲,۵۴۲	۲,۰۵۷		اسلامی	بانک اسلامی دبی PLC	امارات متحده عربیه
۸۸۴	۵,۶۰۳	۴,۰۴۷		تجاری	بانک بین السالی امارات PJSC	امارات متحده عربیه
۱۲۱	۲۶۲	۱۴۸		تخصصی	بانک صادرات امارات	امارات متحده عربیه
۱۲۳	۵۵۷	۳۵۶		تجاری	فرست گلف بانک	امارات متحده عربیه
۱۱۱	۶۰۷	۳۹۹		تجاری	اینوست بانک PLC	امارات متحده عربیه
۶۶۴	۵,۴۴۰	۲,۰۳۸		تجاری	مشرف بانک	امارات متحده عربیه
۱۶۲	۵۹۳	۳۵۵		تجاری	بانک خاورمیانه PJSC	امارات متحده عربیه
۷۱۸	۸,۵۲۲	۶,۵۵۷	A+	تجاری	بانک ملی ایویتی	امارات متحده عربیه
۱,۱۱۸	۷,۶۶۴	۱,۹۰۲		تجاری	بانک ملی دبی لیبند	امارات متحده عربیه
۱۲۴	۶۶۷	۳۸۶		تجاری	بانک ملی قصبه	امارات متحده عربیه
۱۲۸	۴۹۲	۳۵۸		تجاری	بانک ملی رأس العجمه (P.S.C)	امارات متحده عربیه
۱۲۰	۴۲۲	۳۲۲		تجاری	بانک ملی شارجه	امارات متحده عربیه
۱۰۶	۴۷۸	۳۲۹		تجاری	بانک ملی ام القوین	امارات متحده عربیه
۳۱۱	۲,۶۸۱	۱,۷۸۷	A	تجاری	یونیون نشنال بانک	امارات متحده عربیه
۸۸	۴۱۱	۲۲۲		تجاری	یوایند عرب بانک	امارات متحده عربیه

توضیح:

Bankscope Database v 16.00 (distributed by Bureau van Dijk).
Commerz Bank Global Financial Institution Risk Management Department.

مجموع وامها، داراییها و دارایی خالص بانکهای GCC، دسامبر ۲۰۰۰

دارایی خالص به دلار (میلیون)	کل داراییها به دلار (میلیون)	وامها به دلار (میلیون)	نام بانک
۲۵,۲۵۰	۳۱۷,۵۰۸	۱۰۴,۶۳۵	کل بانکهای تجاری (۵۴)
۳,۱۵۰	۲۳,۹۹۳	۱۳,۶۶۲	کل بانکهای اسلامی (۱۰)
۱,۴۵۵	۶,۰۵۸	۱۶۸	کل بانکهای سرمایه گذاری (۶)
۱,۴۷۷	۴,۰۶۲	۲,۰۵۸	کل بانکهای تخصصی (۸)
۳,۰۵۷	۲۵,۵۵۶	۷,۳۱۷	کل بانکهای فلات قاره (۲)
۳۴,۳۸۹	۳۷۶,۱۷۷	۱۳۷,۳۸۴	مجموع بانکها

منبع:

Bankscope Database v 16.00 (distributed by Bureau van Dijk).
Commerz Bank Global Financial Institution Risk Management Department.

پاورقیہا:

1. Maxwell Fry, "Money and Capital: Financial Deepening in Economic Development," *Journal of Money, Credit and Banking*, Vol. 10, No. 1, 1979, pp. 464-475.
2. John Presley and Rodney Wilson, *Banking in the Gulf*, London: Macmillan, 1991, pp. 1-8.
3. Riyadh Bank, *Saudi Economic Review*, Third Quarter 2000, pp. 9-10.
4. Angus McDowall, "Two cheers for Saudi Arabia," *Middle East Economic Digest*, Vol. 45, No. 8, February 23, 2001, pp. 4-5.
5. Said Al-Shaikh, "Structure of Gulf Banking and the Effects of Globalization and Financial Liberalisation," *NBC Economist*, Vol. 9, No. 2, March / April 1999, pp. 1-2.
6. شہزادہ عبد... بن فیصل بن ترکی السعود این نکتہ را بہ روشنی بیان می کند. نگاہ کنید بہ:
Interview with the *Arab Bankers*, Vol. 14, No. 2, 2000, p. 17.
7. www.alahli.com
8. Rodney Wilson, *Banking and Finance in The Arab Middle East*, Macmillan, 1983, pp. 110-119.
9. Jean- Francois Seznec, *The Financial Markets of the Gulf*, Croom Helm, 1987, p. 12.
10. Rodney Wilson, "The Evolution of the Saudi Banking System and its Relationship with Bahrain," in *State, Society and Economy in Saudi Arabia*, Edited by Tim Niblock, Groom Helm, 1982, p. 296.
11. Rodney Wilson, *Banking and Finance in the Middle East*, Financial Times Publication, 1998, p. 109.
12. Bahrain Monetary Agency, *Quarterly Statistical Bulletin*, Vol. 26, No. 4, December 2000, p. 21.
13. Ibid., p. 22.
14. *Arab Bankers*, Vol. 14, No. 2, Autumn 2000, p. 84.
15. www.arabbanking.com/history.html.
16. Ibid.
17. Rodney Wilson, *Islamic Finance*, Financial Times Publications, 1998, p. 29.
18. Institute of Islamic Banking and Insurance, "The Present State of Islamic Banking in the Gulf and its Future Prospects," *New Horizon*, London, No. 104, November 2000, p. 3.
19. Ibrahim Warde, *Islamic Finance in the Global Economy*, Edinburgh University Press, 2000, p. 208.

20. Institute of Islamic Banking and Insurance, "Bahrani Studies Issuing Islamic Bonds, T-bills", *New Horizon*, London, No. 103, October 2000, p. 16.
21. Institute of Islamic Banking and Insurance, "Bahrain Plans High Council for Islamic Banking," *New Horizon*, London, No. 107, March 2001, p. 17.
22. Institute of Islamic Banking and Insurance, "Bahrain Studies Issuing Islamic Bonds, T- bills," *New Horizon*, London, No. 108, April 2001, p. 16.
23. Rodney Willson, *Banking and Finance in the Middle East*, op.cit., p. 235.
24. Saudi British Bank, "The Saudi Share Market," *Saudi Economic Bulletin*, Vol. 5, No. 19, 2000, pp. 8-9.
25. Riyadh Bank, "The Saudi Money Market has experienced noticeable stability since 1999," *Saudi Economic Review*, Riyadh, Third Quarter 2000, p. 9.
26. *World Bank Atlas*, 2000, pp. 42-43.
27. *Ibid.*, pp. 50-51.
28. Jean-Francois Seznec, op.cit., pp. 51-52; See also Ayam Shafiq Fayyad Abdul-Hadi, *Stock Markets of the Arab World: Trends and Prospects for Integration*, Routledge, 1998, pp. 49-51.
29. Rodney Willson, "Economic prospects for Iraq and its neighbours in the aftermath of the Gulfwar," in *The Middle East in the New World Order*, Edited by Haifaa A. Jawad, London: Macmillan, 1997, p. 182.
30. *Arab Banker*, op.cit., p. 32.
31. Rodney Wilson, *Banking and Finance in The Arab Middle East*, op.cit., pp. 172-176.
32. Said Al-Shaikh, "The mutual funds market in Saudi Arabia," *NBC Economist*, Vol. 10, No. 2, March/April 2000, pp. 5-12.
33. Institute of Islamic Banking and Insurance, "Monitoring the performance of Islamic equity funds," *New Horizon*, London, No. 103, October 2000, p. 6.
34. Rodney Willson, "Financial development of the Gulf: the Eastern Bank experience, 1917-1950," *Business History*, Vol. 29, No. 2, April 1987, pp. 178-198.
35. Adnan M. Abdeen and Dale N. Shook, *The Saudi Financial System*, Wiley, 1984, p. 60.
36. Arthur N. Young, *Saudi Arabia: the Making of a Financial Giant*, New York University Press, 1983, pp. 55-74.
37. Rodney Wilson, "Islamic investment Product in the UK, Institute of Islamic Banking and Insurance, *New Horizon*, London, No. 107, March 2001, pp. 3-4.
38. Henry Azzam, "Gulf Capital Markets: Development Prospects and Constraints," in *Development of Financial Markets in the Arab Countries, Iran and*

Turkey, Edited by Heba Handoussa, Economic Research Forum for The Arab Countries, Iran and Turkey, 1995, pp. 181-198.

39. www.mecd.co.uk/top500.asp/Target=top

40. Rodney Wilson, *Banking and Finance in The Middle East*, op.cit., pp. 68-69.



شروېشگاه علوم انسانی ومطالعات فرېنگی
پرتال جامع علوم انسانی